دوماهنامهٔ علمی- پژوهشی
د۸، ش۵ (پیاپی ٤٠)، آذر و دی ۱۳۹٦، صص۲٦۹-۲۹۲

بررسی مقایسه‌ای آرایش واژگانی برمبنای دیدگاه ردەشناسی هاکینز

شیما زرگربالای جمع[۱*]، مهین‌نازمیردهقان[۲]

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاداسلامی، قم، ایران.
۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۹۵/٤/۱۹ پذیرش: ۹۵/۷/۲۵

چکیده

شاخهٔ مطالعاتی ردەشناسی قدمتی۲۵۰ساله دارد. ردەشناسی زبان مطالعهٔ نظام‌مند تنوع بین زبان‌هاست و این تعریف این پیش‌انگاره را در خود دارد که برخی اصول کلی نیز بر تنوع میان زبان‌ها حاکم هستند (کامری،۲۰۰۱، به نقل از دبیرمقدم،۲:۱۳۹۲). موضوع ترتیب واژه‌ها در تعیین تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان زبان‌ها یکی از حوزه‌های مورد توجه در ردەشناسی‌زبان است. هاکینز یکی از زبان‌شناسان برجسته است که علاوه‌بر آشنایی با دستور زایشی، گرایش خاصی به حوزهٔ ردەشناسی به‌ویژه ترتیب واژه دارد و اصول و همگانی‌هایی گوناگون را در زمینهٔ ترتیب واژه ارائه کرده است (هاکینز،۱۰:۱۹۸۳). مطالعات گویش‌شناسی در ایران طی چند دههٔ اخیر گسترش بسیاری یافته است، به گونه‌ای که بسیاری از زبان شناسان و ردەشناسان ثبت و مطالعهٔ گویش‌ها و زبان‌های ایرانی را آغاز کرده و پژوهش‌های فراوانی در زمینهٔ گویش‌های مختلف به‌انجام رسانده‌اند. هدف از پژوهش حاضر آن است که پس از معرفی فرضیه، اصول و همگانی‌های هاکینز در حوزهٔ ترتیب واژه، به تحلیل مقایسه‌ای آرایش واژگانی میان گونهٔ زبانی ترکی آذری و فارسی معیار پرداخته شود. این تحقیق با استناد به پیشینهٔ عملی، چارچوب نظری و داده‌های پرسش‌نامهٔ گویشی و به روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته و نتایج حاصل از این گفتار علاوه‌بر تأیید شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان آرایش واژگانی زبان فارسی معیار و ترکی آذری، انطباق برخی از دیدگاه‌های هاکینز بر زبان‌های مذکور را اثبات می‌کند.

واژه‌های کلیدی: آرایش واژه، ترکی آذری، فارسی معیار، ردەشناسی، دیدگاه هاکینز.

---

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: shz5723@yahoo.com

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

۱. مقدمه

در طول تاریخ فرهنگ و دانش بشری، بررسی زبان به عنوان موضوع شناخت همواره مهم و مورد توجه پژوهشگران بوده است. در دورهٔ معاصر نیز تجزیه‌وتحلیل نظری و کاربردی زبان، بیش‌ازپیش گسترش یافته و در عمق‌بخشیدن به دانش انسانی مؤثر بوده است. درواقع، دانش زبان همواره به‌عنوان یکی از نخستین شاخه‌های دانش بشری در میان آموزش و فرهنگ همهٔ اقوام اهمیت ویژه‌ای داشته است، ازجمله در هند، چین، یونان، رم، سرزمین‌های اسلامی و ایران پژوهشگران برجسته‌ای زبان را بررسی کرده و در این زمینه آثار پرارزشی از خود بر جای گذاشته‌اند (مشکوة الدینی، ۱۳۷٦: ۱-۳). شاخهٔ مطالعاتی رده‌شناسی در زبان‌شناسی قدمتی ۲۵۰ ساله دارد. برنارد کامری[1] که یکی از برجسته‌ترین رده‌شناسان جهان است، در تعریف رده‌شناسی چنین می‌گوید: «رده‌شناسی زبان را می‌توان مطالعهٔ نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها تعریف کرد. این تعریف این پیش‌انگاره را در خود دارد که برخی اصول کلی بر تنوع میان زبان‌ها حاکم هستند و من نیز به چنین پیش انگاره‌ای قائل هستم» (کامری، ۲۰۰۱، به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲). یکی از این زبان‌ها ترکی آذربایجانی از خانوادهٔ زبان‌های ترکی است که توسط مردمان آذری‌زبان در قفقاز و خاورمیانه با دو گویش و در سایر مناطق آذری‌زبان ایران و جمهوری آذربایجان تکلم می‌شود. زبان ترکی آذربایجانی در واژگان، سامانهٔ آوایی و دستور زبان از زبان‌های فارسی و عربی تأثیر پذیرفته است. ترکی آذری جنوبی یکی از گونه‌های این زبان است که گویش‌وران تبریز و مراغه از گونهٔ مرکزی آن استفاده می‌کنند (هیئت، ۱۳۸۰: ۱۳-۱٤). ترتیب واژه[2]، نظام نشانه‌گذاری حالت و مطابقه راکارهایی هستند که برای بیان تمایز روابط دستوری ارکان اصلی جمله در زبان‌های گوناگون مورد توجه قرار می‌گیرند. البته این به آن معنا نیست که الزاماً زبان‌ها هر سه روش را به این منظور به کار می‌گیرند، بلکه ممکن است برای هریک از روابط دستوری یک یا دو راهکار به طور هم‌زمان یا هر سه راهکار مورد استفاده قرار بگیرند. در برخی موارد نیز روش‌های متفاوت به طور مجزا به‌کار می‌روند (گیوون[3]، ۲۰۰۱: ۱۷۵). اصطلاح ترتیب واژه، علاوه‌بر آرایش واژه‌ها، آرایش گروه‌ها و سازه‌ها را نیز در بر می‌گیرد و کاربرد دستوری ترتیب واژه‌ها به معنی توالی سه سازهٔ اصلی بند یعنی فعل، فاعل و مفعول است (*همان*:۲۳۳). موضوع ترتیب واژه‌ها در تعیین

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان زبان‌ها یکی ازحوزه‌های مورد توجه در رده‌شناسی زبان است. هاکینز[۴] دیدگاه‌های گرینبرگ[۵]، ونمان[۶] و لمان[۷] را ادامهٔ کار پژوهشگران آلمانی قرن نوزدهم و بیستم می‌داند، سپس به دنبال فعالیت‌های آن‌ها به بیان دیدگاه‌های خود می‌پردازد (هاکینز،۱۹۸۳: ۱۰).

در این مطالعه علاوه‌بر بررسی دیدگاه‌های هاکینز در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها خواهیم بود که آیا تفاوت آرایش واژگانی میان گونهٔ زبانیِ ترکی آذری با فارسی وجود دارد؟ آیا دیدگاه‌های هاکینز در خصوص رده‌شناسی بر زبان فارسی منطبق است؟ آیا دیدگاه‌های هاکینز بر گونهٔ زبانی ترکی آذری منطبق است؟

از بررسی زبان‌های مختلف با توجه به امکانات نظریهٔ هاکینز نتایج گوناگون به‌دست آمده است، امید است که با انجام پژوهش‌های گسترده در دیگر زبان‌ها نتایج مطلوب و متنوع‌تری در این حوزه از رده‌شناسی زبان حاصل شود. فرضیه‌های ما در پژوهش حاضر بر این مبناست که از یک جهت تفاوت آرایش واژگانی بین گونهٔ زبانی ترکی آذری و فارسی معیار وجود دارد، و از جهت دیگر دیدگاه‌های هاکینز در تحلیل رده‌شناسی زبانی بر زبان فارسی و گونهٔ زبانی ترکی آذری منطبق است.

این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامهٔ گویشی کتاب ***گویش کلاردشت*** کلباسی (۱۳۷۶)، از طریق مصاحبه و ضبط گفتار گویش‌ورها و به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

مرعشی (۱۹۷۰) بر مبنای دیدگاه راس[۸] (۱۹۷۰) الگوی نخستین SVO را برای زبان فارسی در نظر می‌گیرد. راس در ارتباط با زبان‌هایی مانند روسی که آرایش واژگانی آن‌ها به صورت آزاد است، معتقد است الگوی اولیه در این‌گونه زبان‌ها SVO بوده و به علت فرایند قلب نحوی[۹] (حرکت فعل به جایگاه پایان جمله) به شکل الگوی فعلی SOV تغییر یافته است. ماهوتیان (۱۳۷۸) زبان فارسی را زبانی فاعلی- مفعولی معرفی می‌کند که فاعل افعال لازم و متعدی درآن شبیه هم هستند؛ اما ظاهر مفعول مستقیم از این جهت که مفعول‌نمای «را» دارد متفاوت با فاعلِ فعلِ لازم و متعدی است و صورت صرفی مستقلی ندارد. ترتیب واژه علاوه‌بر استفاده از

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

مفعول‌نمای «را» و اتصال واژه‌بست مفعول‌نما به فعل از روش‌های نشان دادن جایگاه مفعول است که دراین میان نقش ترتیب واژه اهمیت بسیاری دارد. وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۸٦) درزمینهٔ ترتیب واژه در دستور زبان فارسی به این نتیجه دست یافتند که فاعل در جمله معمولاً پیش از گزاره قرار می‌گیرد که نشانهٔ آن داشتن مطابقه با شناسهٔ فعل از لحاظ شخص و شمار است. شریفی (۱۳۸۷) میزان انطباق اصول هاکینز را بر زبان فارسی ارزیابی می کند و در بیان نتیجهٔ پژوهش خود چنین می‌گوید: بررسی وضعیت آرایش واژگانی زبان فارسی روشن می‌کند که برخی از پیش‌بینی‌ها، اصول و توجیهات رده‌شناختی هاکینز دربارهٔ زبان فارسی مصداق پیدا نمی‌کند. شریفی (۱۳۸۸) پس از مطالعهٔ ساخت ملکی زبان فارسی از دیدگاه رده شناختی به این نتیجه رسید که زبان فارسی از نظر ترتیب سازه‌های اصلی مالک و ملک در گروه زبان‌هایی که دارای ترتیب ملک مالک هستند، قرار دارد. شیرزاد (۱۳۸۸) از دیدگاه رده‌شناسی زبان به بررسی ساختار ساخت‌واژی زبان ترکی آذری با استفاده از الگوی پیشنهادی کامری می‌پردازد. او به این نتایج دست یافت که ساخت‌واژهٔ زبان ترکی آذری قابل مقایسه و بررسی تطبیقی با زبان فارسی است و این زبان از لحاظ رده‌شناسی ساخت‌واژی جزو زبان‌های پیوندی از نوع پسوندی است. غلامی (۱۳۸۹) پس از تحلیل نشان‌داری رده شناختی زبان فارسی برمبنای الگوی سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگ (۱۹٦٦) و معیارهای نشان‌داری کرافت[۱۰] (۲۰۰۳) دریافت که سلسله‌مراتب زبانِ فارسی به سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگی شباهت دارد؛ اما در این مقوله‌ها سلسله‌مراتبی متفاوت را از خود نشان می‌دهد: الف- نمود: نمودکامل>نمودناقص. ب- شخص: سوم شخص> اول شخص> دوم شخص. ج- زمان: زمان حال > زمان گذشته > زمان آینده. میردهقان و مهمانچیان ساروی (۱۳۹۰) ضمن معرفی گویش آتنی (از گویش‌های مازندرانی) به تعیین، رتبه‌بندی و تحلیل محدودیت‌های حاکم بر آرایش جملات خبری این گویش با به‌کارگیری تابلوها[۱۱] و نمودارهای فرانظریهٔ بِهینگی پرداختند. نتایج این پژوهش که به روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از۱۰ تابلو، ۱۰مثال، ٦ طرح‌واره و٤ نمودار بر روی جامعهٔ آماری ساکنان باقیماندهٔ گویش آتنی انجام شد، جهان‌شمولی نظریهٔ بِهینگی را در ارتباط با تعداد ثابت تخطی‌ها ازمحدودیت‌های انطباق تأیید می‌کند. دبیرمقدم (۱۳۹۲) پژوهش جامعی را در ارتباط با سه راهکار ترتیب واژه‌ها، نظام حالت و مطابقه در

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

زبان‌های ایرانی انجام داد. او در این پژوهش این راهکارها را در چارچوب رده‌شناسی در زبان‌های فارسی، بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، کردی، اورامی، لکی، دلواری، نائینی، شهمیرزادی و تاتی مورد مطالعه قرار داده است. در این بررسی بر مبنای مولفه‌های ٢٤ گانهٔ درایر[۱۲] (۱۹۹۲) نتایج موثری در این حوزه‌ها به‌دست آمد. رضاپور (۱۳۹۳) بر اساس مؤلفه‌های ٢٤ گانهٔ درایر (۱۹۹۲)، ترتیب واژهٔ زبان سمنانی را از دیدگاه رده‌شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که زبان سمنانی به سوی ردهٔ زبان‌های فعل پایانی گرایش دارد، البته فاصلهٔ چندانی بین مؤلفه‌های فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی مشاهده نشد که این نکته نشان‌دهندهٔ تحول زبان سمنانی به سوی ردهٔ زبان‌های فعل میانی است. مزینانی و همکاران (۱۳۹٤) در چارچوب دستورِ گشتاری و مبانی رده‌شناسی، به بررسی جایگاه زیرساختی واژه‌بست‌های مفعولی زبانِ فارسی و تعیین رابطهٔ هم‌زمانی- درزمانی این جایگاه با آرایش بنیادین واژگان در زبان مذکور پرداختند. نتیجهٔ کلی این بود که بررسیِ عملکرد و سیر تحول واژه‌بست‌های ضمیری زبان فارسی، فرضیهٔ قرار گرفتن این زبان را در جریان تغییر رده تقویت می‌کند.

لازار[۱۳] (۱۹۵۷) در ارتباط با موضوع آرایش سازه‌ها، مفعول را مورد مطالعه قرار می‌دهد و با در نظر گرفتن زبان فارسی به‌عنوان یک زبان فاعلی- مفعولی، مفعول مستقیم را که به جهت دارا بودن نشانهٔ «را» از فاعل متعدی و لازم متمایز می‌شود، بررسی می‌کند. از نظر او مفعول مستقیم در برخی موارد بدون نشانهٔ «را» نیز ظاهر می‌شود که نکره یا معرفه بودن این مفعول می‌تواند توجیه این مسئله باشد، به گونه‌ای که در صورت نکره بودن بدون این نشانه، و در شرایط معرفه بودن همراه با آن می‌آید. گرینبرگ (۱۹٦۳)پس از بررسی ۳۰ زبان به ٤٥ مورد همگانی تلویحی دست یافت که از این میان با ارائهٔ ۲۸ مورد همگانی مرتبط با آرایش واژگانی به ترتیب عناصر نحوی اشاره کرده و زبان‌ها را بر مبنای ترتیب واژهٔ فاعل، مفعول و فعل به سه گروه تقسیم کرد که پس از آن رده‌شناسان سه ردهٔ دیگر را به آن افزودند. او در مطالعات خود به ارائهٔ رده‌بندی روساخت‌محور زبان‌ها می‌پردازد و زبان فارسی را در ردیف زبان‌هایی قرار می‌دهد که دارای آرایش «اسم+ پس اضافه» و«صفت + اسم» هستند و فعل را نیز در جایگاه پایانی جمله به‌کار می‌برند. کینان[۱٤] و کامری (۱۹۷۷، به نقل از گلفام، ۱۳۷۹) سطح دشواری یا سادگی یادگیری ساخت بندِ موصولی را در جریان آموزش زبان مورد مطالعه قرار دادند. از

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

دیدگاه آن‌ها یادگیری و درک معنی بندهای موصولی که هستهٔ آن‌ها نقش مفعول مستقیم آن بند را دارد در مقایسه با بندهای موصولی که هستهٔ آن‌ها در نقش فاعلِ آن بند است، مشکل‌تر است. سلسله مراتب زیر با ذکر این توضیح که عناصر ساده‌تر به ترتیب از سمت راست به چپ قرار گرفته اند، توسط آن‌ها ارائه شد:

فاعل< مفعول مستقیم < مفعول غیرمستقیم < مفعول گروه اضافه

تاملین[15] (۱۹۸۶، به نقل از گلفام، ۱۳۷۹: ۱۸۰-۱۸۱) با بررسی ۱۶۰۰ زبان بسامد نسبی شش احتمال آرایش نهاد، فعل و مفعول را در قالب پیوستاری مبتنی بر سه اصل مبتدا نخست[16]، پیوستگی فعل- مفعول[17] و جاندار نخست[18] ارائه کرده است:

$$OSV < OVS = VOS < VSO < SVO = SOV$$

طبق این پیوستار تعداد زبان‌هایی که در سمت راست نشانهٔ> قرار دارند نسبت به زبان‌هایی که در سمت چپ این نشانه هستند، بیشتر است. از دیدگاه او براساس اصل مبتدا نخست، ساختار اطلاعی[19] جمله باید به گونه‌ای باشد که در صورت وجود دو نوع اطلاع کهنه و نو، اطلاع کهنه را که نقش پیونددهی دارد پیش از اطلاع نو رمزگذاری کند. اصل پیوستگی فعل- مفعول به آن معناست که به طور کلی مفعول یک جملهٔ متعدی با فعل در مقایسه با جایگاه نهاد پیوستگی و ارتباط بیشتری دارد. تاملین برمبنای اصل جاندارِ نخست که تقدم گروه‌های اسمی دارای بیشترین مختصهٔ جانداری را بر سایر گروه‌های اسمی تبیین می‌کند پیوستار دیگری را ارائه کرد: انسان< {گیاهان، حیوانات} < اشیا.

کامری (۱۹۸۹) در بیان شیوهٔ نشان‌دادن روابط دستوری، ویژگی برخی زبان‌ها را مشخص شدن رابطهٔ دستوری مفعولی خاص را از طریق دریافت نشانهٔ حالت می‌داند. او با مثال زدن زبان‌های ترکی و فارسی که از نشانه‌های «u» و «را» برای نشان دادن مفعول معرفه استفاده می‌کنند گفتهٔ خود را اثبات می‌کند. از دیدگاه او معرفه بودن یک پیوستار است به گونه‌ای که برخی مفعول‌های معرفهٔ فارسی در ترجمهٔ انگلیسی به شکل نکره ترجمه می‌شوند.

ردفورد[20] (۱۹۹۷) در ارتباط با موضوع آرایش واژگانی، محدودیت‌هایی جهان شمول را برای شکل‌گیری هسته و وابسته‌ها ارائه می‌دهد و بر این اساس زبان‌ها را به صورت دو دستهٔ هسته‌آغازین و هسته‌پایانی تقسیم می‌کند. در زبان‌های هسته‌آغازین تمام وابسته‌ها پس از هسته‌ها قرار می‌گیرند؛ اما در زبان‌های هسته‌پایانی جایگاه تمام وابسته‌ها بر هسته‌ها تقدم

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

دارد. در این رده بندی که تمرکز بیشتری بر ترتیب اجزای جمله و ساختار گروه فعلی دارد، زبان‌هایی مانند ژاپنی هسته پایانی و زبان انگلیسی نیز هسته آغازین در نظر گرفته شده‌اند.

درایر (۲۰۰۱) به طرح ویژگی‌های متفاوتی از زبان‌های هسته‌آغازین و هسته‌پایانی پرداخته است. از نظر او در زبان‌های هسته‌آغازین اسم در ابتدای گروه اسمی قرار می‌گیرد، حرف اضافه به صورت پیش‌اضافه است، جایگاه واژه‌ها و عبارت‌های توصیفی پس از اسمِ توصیف-شونده است و فعل نیز پیش از مفعول و عبارت‌های توصیفی است. در شرایطی که در زبان‌های هسته‌پایانی اسم در انتهای گروه اسمی قرار می‌گیرد، حرف اضافه به صورت پس‌اضافه استفاده می‌شود، جایگاه واژه‌ها و عبارت‌های توصیفی پیش از اسم توصیف‌شونده است و فعل نیز پس از فاعل، مفعول و عبارت‌های توصیفی است. گیوون (۲۰۰۱ :۲۳۳-۲۷۰) در بررسی خود ترتیب واژه‌ها را به‌عنوان یکی از روش‌های تمایز روابط دستوری معرفی می‌کند که منظور از ترتیب واژه‌ها توالی سه سازهٔ فعل، فاعل و مفعول است. هرگاه در زبان‌ها هیچ نشانه‌ای برای نقش‌ها و روابط دستوری اصلی وجود نداشته باشد، تمایز فاعل و مفعول از طریق ترتیب واژه‌ها صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال ترتیب واژه‌ها یکی از روش‌های تمایز فاعل از مفعول در زبان‌هایی مانند انگلیسی، تایلندی، ویتنامی و اندونزیایی است که ترتیب واژه‌ها در همهٔ آن‌ها در حالت بی‌نشان به صورت فاعل- فعل- مفعول است. در زبان‌هایی که ترتیب واژهٔ ثابت دارند، ترتیب واژه‌ها یکی از راهکارهای مهم تمایز روابط دستوری به‌شمار می‌رود؛ اما در این گونه زبان‌ها نیز در شرایط خاص تغییر در ترتیب واژه‌ها مشاهده می‌شود. رابرتز[۲۱] (۲۰۰۹، به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۰) ساخت گفتمانی زبان فارسی و تعامل آن را با نحو مورد مطالعه قرار داد که بخش‌هایی از مطالعات او در ارتباط با آرایش سازه‌های درون‌بند و ترتیب موضوع‌های اصلی[۲۲] است. او به منظور یافتن عوامل ناظر بر ترتیب سازه‌ها در زبان فارسی، ترتیب پیش فرض «فاعل (مفعول غیرصریح)- مفعول صریح- فعل» را در نظر گرفته و به طرح موضوع فاعل‌های پسایند، مفعول‌های غیرصریح پسایند و مفعول‌های صریح پیشایند پرداخت. از دیدگاه رابرتز بسامد وقوع پسایندی مفعول غیرصریح که با اهداف گفتمانی صورت می‌گیرد بسیار بیشتر از پسایندی فاعل است و مفعول صریح نیز در صورت معرفه بودن در جایگاه پیشایند قرار می‌گیرد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

۳. چارچوب نظری

هاکینز یکی از زبان‌شناسان برجسته‌ای است که طی دهه‌های اخیر در حوزهٔ رده‌شناسی فعالیت گسترده‌ای داشته، در عین حال با دستورشناسان زایشی به خوبی آشنایی دارد و کارهای آن‌ها را نیز مورد تأیید قرار می‌دهد. یکی از موضوعات مورد توجه در رده‌شناسی، ترتیب واژه‌ها و الگوهای آرایشی غالب است که آثار متعددی در این زمینه توسط هاکینز خلق شده و به عنوان منابعی موثق توسط پژوهشگران مورد استفاده قرار می‌گیرند. او دستاوردهای افرادی چون ونمان، لمان و گرینبرگ را در زمینهٔ همگانی‌های ترتیب واژه در پی مطالعات پژوهشگران آلمانی قرن نوزده و بیست در نظر داشته و در جهت اصلاح و تکمیل بررسی‌های آن‌ها به بیان اصول و فرضیات خود می‌پردازد (هاکینز، ۱۹۸۳: ۱۰). از دیدگاه کرافت (۱۹۹۵) پس از مقالهٔ گرینبرگ، کتاب هاکینز (۱۹۸۳) نخستین دستاورد عمده در مطالعات رده‌شناختی، رده‌شناختی مربوط به آرایش واژگانی است که داده‌های مرتبط با مبحث ترتیب واژه‌ها را در ۳۰۰ زبان مورد بررسی قرار داده است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲). هاکینز (۱۹۸۳) به طرح فرضیهٔ اکتساب دوگانه[۲۳] و اصول پایداری همگانی درزمانی[۲۴] و هماهنگی بین مقوله‌ای[۲۵] پرداخته و آن‌ها را این چنین تبیین می‌کند (دبیرمقدم، ۱۹۹۷):

الف- فرضیهٔ اکتساب دوگانه

این فرضیه مراحل تحول تاریخی الگوهای آرایش سازه‌ها را توصیف می‌کند که بر این اساس برای این تغییر تاریخی سه مرحله در نظر گرفته شده است. در مرحلهٔ اول الگوی اول نسبت به الگوی دوم بسامد وقوع بیشتری دارد، در مرحلهٔ دوم هر دو الگو با بسامد وقوع نسبتاً برابر استفاده می‌شوند و در مرحلهٔ سوم الگوی دوم نسبت به الگوی اول بسامد وقوع بیشتری پیدا می‌کند. برای مثال در زبان فارسی باستان در ارتباط با جایگاه سازه‌های صفت و ملکی نسبت به اسم ترتیب AN وGN وجود داشته، در زبان فارسی میانه ترتیب‌های دوگانهٔ AN، NA، GN وNG با بسامد وقوع نسبتاً برابر استفاده می‌شدند و در زبان فارسی امروز ترتیب NA وNG کاربرد یافته است.

ب- اصل پایداری همگانی درزمانی

برمبنای این اصل، زبان‌ها در جریان تحول تاریخی خود با همگانی‌های تلویحی حاصل از

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

شواهد هم‌زمانی حاضر هماهنگی دارند؛ به عبارت دیگر الگوهای جدید آرایش سازه‌ای زبان‌ها با الگوهای مطرح شدهٔ آن‌ها در زمان گذشته مغایرت ندارند.

ج- اصل هماهنگی بین مقوله‌ای

هاکینز رعایت این اصل را از سوی زبان‌های دنیا ضروری می‌داند و زبان‌های تخطی‌کنندهٔ آن را زبان‌هایی مغلوب و ناهماهنگ قلمداد می‌کند که با گذشت زمان باید در جهت عملکرد زبان‌های هماهنگ تغییر کنند. بر این اساس اگر بین جفت آرایش‌های سازه‌ای که با بسامد وقوع نسبتاً برابر به کار گرفته می‌شوند و رابطهٔ آن‌ها در همگانی‌های تلویحی منعکس می‌شود هماهنگی بیشتری در جایگاه وابسته‌ها نسبت به هسته‌ها وجود داشته باشد، این صورت در زبان‌های گوناگون بیشتر دیده می‌شود. درنتیجه پیش‌بینی می‌شود تعداد زبان‌هایی که دارای جفت هماهنگ‌تر است بیشتر از آن‌هایی است که از این اصل تخطی می‌کنند. در جدول ۱ رابطهٔ پیش‌اضافه یا پس‌اضافه نسبت به گروه اسمی و بسامدزبان‌ها بر طبق تخطی یا عدم تخطی آن‌ها از این اصل مشاهده می‌شود:

جدول ۱: زبان‌های بررسی‌شده توسط هاکینز

Table 1. Languages Studied by Hawkins

جفت آرایش‌های به‌کار رفته	تخطی از اصل هماهنگی بین مقوله‌ای	تعداد زبان‌ها
Pr & N1	۰	٤٤
Po & N3	۰	۳۵
Pr & N2	۱	١٤
Po & N2	۱	۳۷
Pr & N3	۲	۵
Po & N1	۲	۷

*توضیح: رنگ قرمز جدول نشان‌دهندهٔ یک مورد تخطی از این اصل در تعداد بالای زبان‌های مورد بررسی با آرایش Po & N2 است در مقایسه با زبان‌هایی که دارای همان آرایش هستند و این اصل را نقض نمی‌کنند. هاکینز درآثارش اصول سنگینی[۲۶]، تحرک[۲۷] (۱۹۸۰ و ۱۹۸۳) و تأخر گره‌های وابسته[۲۸] (۱۹۹۸) را نیز معرفی کرده است و به توجیه آن‌ها

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

می‌پردازد.

الف- اصل سنگینی

اصل سنگینی جنبهٔ هم‌زمانی دارد و در ارتباط با وقوع وابسته‌های اسمی نسبت به هستهٔ اسمی مطرح می‌شود. مفهوم سنگینی به تعداد هجاها، واژه‌ها و سازه‌های نحوی یک واحد دستوری اشاره می‌کند و بر این اساس سلسله‌مراتب زیر به‌دست آمده است:

بند موصولی< مضاف الیه< صفت < {صفت اشاره ، اعداد}

در سلسله‌مراتب مذکور، بند موصولی سنگین‌تر از مضاف‌الیه، مضاف‌الیه سنگین‌تر از صفت و صفت نیز سنگین‌تر از صفت اشاره و اعداد است (جهت نشانهٔ «< » با نحوهٔ تعبیر آن در ریاضی متفاوت است). عناصر وابستهٔ سنگین‌تر تمایل به قرار گرفتن پس از هسته و وابسته‌های سبک‌تر گرایش به جایگاه پیش از آن را دارند. از نظر هاکینز با وجود آنکه این اصل تعمیم‌پذیری صریحی دارد؛ اما در برخی موارد قادر به تبیین موارد مشکل‌ساز آرایش واژگانی نیست (هاکینز، ۱۹۸۳:۹۰).

ب- اصل تحرک

هاکینز این اصل درزمانی را به‌عنوان انگیزه‌ای رقابت‌کننده با اصل سنگینی خود و اصل هماهنگی[۲۹] گرینبرگ (۱۹٦٦) معرفی می‌کند که تبیین‌کنندهٔ استثناهای وارده به این مفاهیم است. بر مبنای اصل تحرک، در تعدادی از زبان‌ها ترتیب وقوع برخی وابسته‌ها نسبت به هسته‌هایشان بی‌ثبات‌تر از ترتیب وقوع سایر وابسته‌های آن هسته است و به همین علت احتمال حرکت این وابسته‌ها و تغییر ترتیب «هماهنگ» به صورت «ناهماهنگ» بسیار زیاد است. در میان وابسته‌های مربوط به اسم، ترتیب وقوع صفت اشاره، اعداد و صفت به نسبت مضاف‌الیه و بند موصولی بی‌ثبات‌تر است. هاکینز بر این اساس وقوع برخی وابسته‌های اسمی سبک‌تر مانند صفت اشاره، اعداد و صفت پس از هستهٔ اسمی و وقوع وابسته‌های سنگین‌تر مانند بند موصولی را پیش از هستهٔ اسمی در برخی زبان‌ها تبیین می‌کند. او در توجیه این مطلب چنین عنوان می‌دارد: اصل تحرک با کمک تحولات تاریخی وضعیت هم‌زمانی برخی زبان‌ها را تبیین می‌کند. در زبان‌های مربوطه، پیش از این تمام وابسته‌ها ازجمله بند موصولی و صفت پیش از هستهٔ اسمی قرار می‌گرفتند و ترتیب اصلی در این زبان‌ها به صورت هماهنگ بوده است؛ اما به

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

دنبال یک تحول تاریخی صفت به جایگاه پس از هستهٔ اسمی تغییر موقعیت داده و ترتیب هماهنگ به صورتی ناهماهنگ درآمده است (*همان*: ۹۲-۹۴).

ج- اصل تأخر گره‌های وابسته

این اصل جنبهٔ هم‌زمانی دارد و در ارتباط با نظریهٔ کنش زبان[۳۰] و روش پردازش گره‌های وابستهٔ معنایی یا نحوی در بیان توزیع انواع رده‌های بنیادین در ترتیب واژه است. اصل تأخر گره‌های وابسته که از نوع قواعد p آن‌گاه q است، به این صورت بیان شده است:

«اگر گرهٔ y از نظر نحوی یا معنایی به گرهٔ x وابسته باشد،

آن‌گاه ذهن گره مستقل x را قبل از گره وابستهٔ y دریافت می‌کند.»

برای مثال با استناد به نظریهٔ نقش‌های تتا[۳۱]، عامل (فاعل دستوری) عنصری اصلی و پذیرا (مفعول دستوری) نیز عنصری وابسته است که برمبنای اصل تأخر گره‌های وابسته، در میان حدود ۹۶ درصد از زبان‌های دارای آرایش واژگانی ★فاعل- مفعول- فعل🕓، «فاعل- فعل- مفعول» یا «فعل- فاعل- مفعول»، عامل (فاعل دستوری) پیش از پذیرا قرار می‌گیرد (هاکینز، ۱۹۹۸: ۷۶۱-۷۶۲).

هاکینز و بسیاری از رده‌شناسان به وجود «آرایش واژگانی اصلی[۳۲] » در زبان‌ها باور دارند. برای مثال از دیدگاه آن‌ها در زبان انگلیسی جایگاه میانی، جایگاه اصلی فعل است و در زبان ژاپنی جایگاه صفت پیش از اسم است. با وجود این، رده‌شناسان معتقدند که در این زمینه نیز استثنائاتی وجود دارند و برخی از زبان‌ها فاقد آرایش واژگانی اصلی هستند. از نظر او بزرگ‌ترین مشکل برای پذیرفتن مفهوم آرایش اصلی، در آرایش سازه‌های همراه فعل در سطح جمله بروز پیدا می‌کند که سازه‌ها آزادی عمل بسیاری دارند؛ اما در عین حال دربارهٔ آزادی عمل سازه‌ها در سطح جمله این توجیه وجود دارد که قواعد کاربردشناختی حساس به اطلاع نو و کهنه، مبتدا، کانون توجه و غیره سبب این تنوع آرایشی می‌شوند. هاکینز برای تعیین آرایش اصلی در زبان‌ها با تمرکز بر روی رابطهٔ دو سازهٔ فاعل و مفعول که ثبات بیشتری دارند و سازه‌های موجود در گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای که دارای آزادی عمل کمتری هستند، به معرفی این معیارها می‌پردازد (شریفی، ۷۹:۱۳۸۷):

الف- هنگامی که یکی از آرایش‌های واژگانی در شرایط برابر در نمونه‌های مشاهده‌شده یا نظام دستوری یک زبان بسامد وقوع بیشتری نسبت به سایر صورت‌ها داشته باشد، آن

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

صورت پربسامدتر صورت اصلی در زبان مذکور است.

ب- هنگامی که در زبانی یکی از صورت‌ها بی‌نشان و صورت دیگر نشان‌دار باشد، آن صورت بی‌نشان صورت اصلی در زبان مذکور است. برای مثال ممکن است معنای دستوری خاصی قابل اعمال به یکی از صورت‌ها باشد؛ در حالی که همین معنای دستوری خاص قابل اعمال به صورت دیگر نباشد.

هاکینز در بحث رده‌شناسی زبان‌ها همگانی‌هایی یک‌سویه را مطرح می‌کند که از جهت یک‌سویه بودن به همگانی‌های عنوان‌شده ازسوی گرینبرگ شباهت داشته و از جهت دیگر با بسیاری از همگانی‌های گرینبرگ متفاوت هستند. در واقع هاکینز بیشتر بر روابط تلویحی موجود میان سه یا بیش از سه پارامتر آرایشی توجه دارد و تنها به همبستگی میان دو پارامتر تمرکز نمی‌کند. این همگانی‌ها که بر آرایش‌های اصلی پربسامد و تمایلات غالب در زبان‌ها متمرکز شده، به این صورت ترتیب سایر عناصر جمله را نیز مشخص می‌کنند:

۱. SOV ⟶ (AN ⟶ GN)

۲. VSO ⟶ (NA ⟶ GN)

بر طبق این فرمول اگر زبانی آرایش SOV را داشته باشد، صفت و الزاماً ملکی را نیز پیش از اسم خواهد داشت و چنانچه زبانی آرایش VSO را داشته باشد، صفت را پس از اسم و الزاماً ملکی را پیش از اسم دارد. جفت دوم همگانی‌های هاکینز به این صورت عنوان می‌شوند:

۳. Pr ⟶ (NA ⟶ NG)

٤. Po ⟶ (AN ⟶ GN)

برطبق این فرمول اگر زبانی دارای پیش‌اضافه باشد، صفت و الزاماً ملکی را نیز پس از اسم خواهد داشت و در صورتی که زبانی دارای پس‌اضافه باشد، صفت و الزاماً ملکی را پیش از اسم دارد. هاکینز متوجه شد که تعداد کمی از زبان‌ها به‌واسطهٔ همگانی‌های او کنار گذاشته می‌شوند. زبان‌های ناقض همگانی‌های ۱و۲ دارای آرایش‌های بسیار کم‌بسامد مانند SVO یا VOS بودند که از دیدگاه هاکینز به آن‌ها توجهی نشد؛ اما او در ارتباط با زبان‌های ناقض همگانی‌های ۳ و ٤ پی برد که همهٔ استثنائات جزو زبان‌های SVO هستندو درنهایت پس از جمع‌بندی واصلاح فرمول‌های پیشین، همگانی‌های تلویحی مطلقی را به صورت نهایی ارائه کرد:

۵. Pr **&** (VSO **7** SOV) ⟶ (NA ⟶ NG)

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

Po & (VSO 7 SOV) ⟶ (AN ⟶ GN) .٦

براساس این فرمول نهایی زبان‌هایی که دارای پیش‌اضافه و یکی از حالت‌های آرایش اصلی VSOیا SOV هستند، آنگاه صفت را پس از اسم دارند، چنانچه ملکی را هم پس از اسم داشته باشد؛ اما زبان‌هایی که دارای پس‌اضافه و یکی از آرایش‌های اصلی VSO یا SOV باشند، آنگاه صفت را پیش از اسم خواهند داشت، چنانچه ملکی را نیز پیش از اسم داشته باشند (*همان*: ۸۰-۸۱).

۴. روش تحقیق

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری و بررسی داده‌های زبان فارسی و ترکی آذری از پرسش‌نامهٔ گویشی کتاب ***گویش کلاردشت*** کلباسی (۱۳۷٦) استفاده شده است. در تدوین بخش پیشینهٔ عملی و چارچوب نظری از روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع مختلف کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های ایرانی و غیرایرانی مرتبط بهره گرفته شده است. جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه با گویش‌وران صورت گرفته و با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی برمبنای فرضیه، اصول و همگانی‌های هاکینز به مقایسهٔ آرایش واژگانی در گونه‌ی زبانی ترکی آذری و زبان فارسی معیار پرداخته می‌شود.

۵. زبان فارسی و گونهٔ زبانی ترکی آذری

زبان فارسی که از خانوادهٔ زبان‌های هندواروپایی و از نظر رده‌شناسی در گروه زبان‌های تصریفی قرار دارد در طول تحول تاریخی خود از گذشته تاکنون سه دورهٔ باستان، میانه و امروز را پیموده است. آرایش واژگانی غالب در هر سه دوره به صورت SOV بوده؛ اما ترتیب جایگاه سازه‌های ملکی و صفت نسبت به اسم در این دوره‌ها یکسان نبوده است. در زبان فارسی باستان در ارتباط با جایگاه سازه‌های صفت و ملکی نسبت به اسم ترتیب AN وGN وجود داشته، در زبان فارسی میانه ترتیب‌های دوگانهٔ AN، NA و GN، NG با بسامد وقوع نسبتاً برابر استفاده می‌شدند و در زبان فارسی امروز ترتیبNA و NG کاربرد یافته است (دبیرمقدم، ۱۹۹۷). در سال۱۸۰۲م. برای نخستین‌بار با مقایسهٔ دوکتیبهٔ DPa وXPe درتخت جمشید خط میخی فارسی باستان رمزگشایی شد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

مثال ۱: کتیبهٔ DPa (صفوی، ۱۳۸٦: ۷۰)

Dârayavauš xšâyathiya/ vazraka xšâyathiya xšâ-/ yâthiânâm xšâyathiya/ dahyunâm Vištâspahy-/ a puça Haxâmanišiya/ hya imam taçaram akunauš

داریوش شاه، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر ویشتاسپ هخامنشی، آنکه این کاخ را ساخت.

مثال۲: کتیبهٔ شاپور دوم در طاق بستان (*همان*:۱۵۸-۱٦۰)

patkar en mazdyasn bay/ šâhpur šâhân/ šâh erân ut anerân/ ke çihr az yazdân/ pus mazdyasn bay/ ohrmazd/ šâh erân ut anerân/ ke çihr az yazdân/ nab bay narsah šâhân šâh

این پیکر پرستشگر خداوندگار، شاپورشاهان، شاه ایران و انیران، که چهره از یزدان (دارد)، پسر پرستشگر خداوندگار، هرمز، شاه ایران و انیران، که چهره از یزدان (دارد)، نوه خداوندگار نرسی، شاه شاهان.

نمونه‌هایی ازفارسی نو(پرسش‌نامهٔ گویشی پژوهش):

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

مثال ۳: آرایش واژگانی SOV جمله در فارسی نو — من آسیاب را می‌گردانم.

مثال ٤: ترتیب صفت پس از موصوف درفارسی — خانهٔ بزرگ

مثال ٥: ترتیب مضاف پیش از مضاف‌الیه در فارسی — درخت انگور

مثال ٦: ترتیب ملکی پس از اسم در فارسی — ریش او

مثال ۷: ترتیب بند موصولی پس از هستهٔ اسمی در فارسی — آن‌که رفت، آمد.

مثال ۸: پیش‌اضافه بودن فارسی (به استثنای «را») — مرد را در چمدان

ترکی آذری از خانوادهٔ زبان‌های آلتائیک است که از لحاظ رده‌شناسی در گروه زبان‌های پیوندی قرار دارد. این گونهٔ زبانی از زمان گذشته تاکنون تحولاتی را در حوزه‌هایی مانند حوزهٔ آوایی و واژگان داشته؛ اما در زمینهٔ آرایش واژگانی داخل جمله و ترتیب سازه‌های درون گروه تغییر خاصی نداشته است. آرایش واژگانی این زبان مانند زبان فارسی به صورت «SOV» بوده و تغییرات کلمه تنها با افزودن پسوندها انجام می‌گیرد؛ به طوری که ریشهٔ فعل همواره در ابتدای واژه قرار دارد. در گونهٔ زبانی ترکی آذری خلاف فارسی امروز حروف اضافه به شکل پس‌اضافه مشاهده می‌شوند و در ارتباط با جایگاه سازه‌های صفت و ملکی نسبت به اسم ترتیبAN وGN وجود دارد، در صورتی که اعداد، صفت اشاره و بند موصولی همانند فارسی جایگاه پس از هستهٔ اسمی خود را حفظ کرده‌اند (خوش‌باطن، ۱۳۸۵: ۳۳۷-۳۳۸).

نمونه‌هایی ازترکی آذری (پرسش‌نامهٔ گویشی پژوهش):

مثال ۹: آرایش واژگانی« SOV » جمله در ترکی آذری — man deymânə fəyyâdəyâm.

مثال ۱۰: ترتیب صفت پیش از موصوف در ترکی آذری — yeca öv

مثال ۱۱: ترتیب مضاف پس از مضاف‌الیه در ترکی آذری — möv âγâǰə

مثال ۱۲: ترتیب ملکی پیش از اسم در ترکی آذری — onun saqqali

مثال ۱۳: ترتیب بند موصولی پس از هستهٔ اسمی در ترکی آذری — o ci ɟeddi, ɟaldi.

مثال ۱٤: پس‌اضافه بودن ترکی آذری — čamadânâ cišini

۶. تحلیل داده‌ها

۱-۶. فرضیهٔ اکتساب دوگانه

آرایش غالب برای سازه‌های درون جمله در هر سه دورهٔ فارسی باستان، میانه و نو «SOV»

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

بوده؛ اما الگوهای آرایش سازه‌ای درون گروه مانند جایگاه صفت و ملکی نسبت به اسم در دوره‌های فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی امروز سه مرحله تحول تاریخی را طی کرده است. در فارسی باستان در ارتباط با جایگاه سازه‌های صفت و ملکی نسبت به اسم ترتیب AN وGN وجود داشته، درفارسی میانه ترتیب‌های دوگانهٔ AN، NA وGN، NG با بسامد وقوع نسبتاً برابر استفاده می‌شدند و در فارسی امروز ترتیبNA و NG کاربرد یافته است. در ترکی آذری ثبات آرایش سازه‌های درون جمله به صورت«SOV» بوده و مراحل تحول تاریخی را تجربه نکرده است و ترتیب سازه‌های درون گروه در این زبان نیز مراحلی در ارتباط با تغییرات تاریخی نداشته‌اند به گونه‌ای که جایگاه صفت و ملکی نسبت به اسم به صورت « AN وGN » بوده است.

۲-۶. اصل پایداری همگانی درزمانی

آرایش غالب برای سازه‌های درون جمله در سه دورهٔ فارسی باستان، میانه و نو به صورت «SOV» بوده است، به عبارت دیگر الگوی جدید آرایش سازه‌ای زبان فارسی با الگوهای زمان گذشتهٔ آن مغایرت ندارد؛ اما الگوی آرایش سازه‌های داخل گروه مانند جایگاه صفت و ملکی نسبت به اسم در فارسی امروز ترتیب «NA و NG» دارد که با الگوهای دوگانهٔ AN، NA و GN، NG در فارسی میانه و آرایش «AN و GN» در فارسی باستان هماهنگی ندارند. آرایش سازه‌های درون جمله در ترکی آذری «SOV» بوده و تغییری نداشته است به عبارت دیگر الگوی جدید آرایش سازه‌ای ترکی آذری با الگوهای زمان گذشتهٔ آن مغایرت ندارد. به همین ترتیب در ارتباط با الگوی آرایش عناصر داخل گروه نیز تغییر خاصی مشاهده نمی‌شود و جایگاه اعداد، صفت و ملکی نسبت به اسم تقدم داشته است.

۳-۶. اصل هماهنگی بین‌مقوله ای

در بررسی زبان فارسی جفت اول آرایش سازه‌ای مربوط به سازه‌های درون جمله است که در هر سه دورهٔ تحولی باستان، میانه و امروز به صورت «SOV» بوده است. جفت دیگر آرایش سازه‌ای در ارتباط با عناصر درون گروه است که در این سه دورهٔ تحولی، ساختاری ناپایدار داشته و هماهنگی از لحاظ جایگاه قرار گرفتن هسته و وابسته‌ها در این جفت آرایش‌های

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

سازه‌ای مشاهده نمی‌شود. در بررسی ترکی آذری جفت اول آرایش سازه‌ای مربوط به سازه‌های درون جمله است که از گذشته تا کنون به صورت «SOV» بوده است. جفت دیگر آرایش سازه‌ای در ارتباط با عناصر درون گروه است که این ترتیب نیز ساختاری پایدار داشته است.

۶-۴. اصل سنگینی

در زبان فارسی اعداد و صفت اشاره سبک هستند و پیش از اسم قرار می‌گیرند؛ در صورتی که جایگاه صفت، مضاف‌الیه و بند موصولی به‌دلیل سنگینی پس از هستهٔ اسمی است. در ترکی آذری اعداد، صفت اشاره، صفت و مضاف‌الیه سبک هستند و پیش از اسم قرارمی‌گیرند در صورتی که جایگاه بند موصولی به‌دلیل سنگینی پس از هستهٔ اسمی است.

۶-۵. اصل تحرک

پیش از این در فارسی تمام وابسته‌های سبک‌تر ازجمله اعداد، صفت اشاره، صفت و مضاف‌الیه پیش از هستهٔ اسمی قرار می‌گرفتند و ترتیب اصلی در این زبان به صورت هماهنگ بوده است اما به دنبال یک تحول تاریخی صفت و مضاف‌الیه به جایگاه پس از هستهٔ اسمی تغییر موقعیت داده و ترتیب هماهنگ به صورت ناهماهنگ درآمده است. در ترکی آذری تمام وابسته‌های سبک‌تر شامل اعداد، صفت اشاره، صفت و مضاف‌الیه پیش از هستهٔ اسمی قرارمی گیرند و ترتیب اصلی در این زبان به صورت هماهنگ است.

۶-۶. اصل تأخر گره‌های وابسته

در حوزهٔ نظریهٔ نقش‌های تتا که مورد استناد هاکینز بوده است، پیش‌بینی می‌شود عنصر مستقل عامل پیش از عنصر وابستهٔ پذیرا قرار بگیرد که اصل تقدم جایگاه عامل بر پذیرا در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری تبعیت می‌شود.

۶-۷. همگانی‌های ۱ و ۲

زبان فارسی از میان این دو همگانی، تنها با ساختار آرایشی SOV در مقدمهٔ همگانی (۱)

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

هماهنگ است؛ اما هردو جایگاه صفت و ملکی را پس از اسم دارد. ترکی آذری با کل ساختار آرایشی در همگانی ۱ منطبق است، به‌گونه‌ای که ضمن داشتن ترتیب سازه‌ایSOV، هر دو جایگاه صفت و ملکی را نیز پیش از اسم دارد.

۸-۶. همگانی‌های ۳ و ۴

زبان فارسی از بین این دو همگانی، به جهت پیش‌اضافه بودن (به استثنای پس اضافهٔ «را») و دارا بودن هر دو جایگاه صفت و ملکی پس از اسم با همگانی ۲ انطباق دارد. ترکی آذری زبانی پس‌اضافه است که هر دو جایگاه صفت و ملکی را نیز پیش از اسم دارد؛ درنتیجه همگانی شمارهٔ ٤ را تأیید می‌کند.

۹-۶. همگانی‌های ۵ و ۶

زبان فارسی به جهت پیش‌اضافه‌بودن (به استثنای پس‌اضافهٔ «را») و دارا بودن ساختار آرایشی SOV، با همگانی ٥ منطبق است و هر دو جایگاه صفت و ملکی را نیز پس از اسم دارد؛ درنتیجه همگانی ٥ تأیید می‌شود. ترکی آذری به جهت پس‌اضافه بودن و دارا بودن ساختار آرایشی SOV، با همگانی ٦ هماهنگ است و هر دو جایگاه صفت و ملکی را نیز پیش از اسم دارد، درنتیجه همگانی ٦٩ تأیید می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

بررسی‌ها در پژوهش حاضر نشان می‌دهند زبان فارسی از نظر رده‌شناسی درگروه زبان‌های تصریفی و خانوادهٔ زبان‌های هندواروپایی قرار دارد، در صورتی که ترکی آذری از خانوادهٔ زبان‌های آلتائیک و گروه زبان‌های پیوندی است. زبان فارسی در تمام ادوار تاریخی خود به لحاظ آرایش واژگانی درون جمله،ثبات بسیاری دارد؛ اما آرایش سازه‌های درون‌گروه ثابتی نداشته، بنابراین تطبیق آن با دیدگاه‌های رده‌شناسی با مشکل مواجه می‌شود، ترکی آذری تاکنون تحولاتی را در حوزه‌هایی مانند حوزهٔ آوایی و واژگان داشته؛ اما در زمینهٔ آرایش واژگانی داخل جمله و ترتیب سازه‌های درون گروه تغییر خاصی نداشته است. فارسی امروز

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

از لحاظ الگوی آرایش واژگانی «SOV» و جایگاه بند موصولی نسبت به هستهٔ اسمی مشابه گونهٔ زبانی ترکی آذری است؛ اما از نظر نوع حرف اضافه، جایگاه صفت، ملکی و مضاف‌الیه با زبان مذکور متفاوت است. ترکی آذری در مقایسه با فارسی امروز که زبانی پیش‌اضافه (به استثنای «را») و دارای آرایش درون گروه به صورت «NG، NA و N1N2» است، یک زبان پس‌اضافه و دارای ترتیب AN ، GN و N2N1 است. از بررسی و تحلیل‌های مقایسه‌ای داده‌های این دو زبان نتایج زیر حاصل شد:

الف- شباهت‌های آرایش واژگانی جمله و تفاوت های آرایش سازه‌ای درون گروه بین گونهٔ ترکی آذری و فارسی معیار وجود دارد. ب- اصل سنگینی، اصل تحرک، اصل تأخر گره‌های وابسته و همگانی های ۳ و۵ بر زبان فارسی منطبق است (فرضیهٔ اکتساب دوگانه با ترتیب سازه‌های درون گروه و اصل پایداری همگانی درزمانی با آرایش واژگانی جمله هماهنگی دارد). ج- اصل هماهنگی بین‌مقوله‌ای، اصل سنگینی، اصل تأخر گره‌های وابسته و همگانی‌های ۱، ٤ و ٦ بر گونهٔ زبانی ترکی آذری منطبق است (اصل پایداری همگانی درزمانی با ساختارآرایش واژگانی جمله و ترتیب سازه‌های درون گروه هماهنگ است).

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Bernard Comrie
2. word order
3. Givon
4. Hawkins
5. Greenberg
6. Vennemann
7. Lehmann
8. Ras
9. scrambling
10. Croft
11. Tableau
12. Dryer
13. Lazard
14. Keenan
15. Tomlin
16. first theme principle
17. verb-object binding
18. animated-first principle

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

19. information structure
20. Radford
21. Roberts
22. order of core arguments
23. doubling acquisition hypothesis
24. diachronic universal consistency principle
25. cross-category harmony principle
26. heaviness
27. Mobility
28. dependent nodes later
29. harmony
30. theory of language performance
31. theta roles theory
32. basic word order

۹. منابع

- خوش‌باطن، حسین (۱۳۸۵). ***مطالعهٔ ساختار نحوی زبان ترکی از دیدگاه رده‌شناسی***. تبریز: ناشر مؤلف.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۰). «معرفی و نقد کتاب مطالعه‌ای در ساخت گفتمانی زبان فارسی». ***ویژه‌نامهٔ فرهنگستان***. ش۷. صص ۲۲۳-۲۹۳.
- ---------- (۱۳۹۲). رده‌شناسی ***زبان‌های ایرانی***. ج ۱. تهران: سمت.
- رضاپور، ابراهیم (۱۳۹۳). «ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناختی زبان». ***جستارهای زبانی***. د ٦. ش ٥(پیاپی٢٦). صص ۱۹۰-۱٦۹.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۷). «آرای هاوکینز در حوزهٔ رده‌شناسی آرایش واژه‌ها و بررسی انطباق یا عدم انطباق این آرا بر آرایش واژه‌ها در زبان فارسی». ***زبان و زبان‌شناسی***. س٤. ش۱ (پیاپی۷). صص ۷۷-۹۲.
- ---------- (۱۳۸۸). «بررسی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده-شناسی». ***پژوهش‌های زبان‌شناسی***. س۱. ش۱. صص ٤۷-٦۲.
- شیرزاد، سیما (۱۳۸۸). *مطالعهٔ ساخت‌واژی ترکی آذری از دیدگاه رده‌شناسی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام‌نور.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

- صفوی، کورش (۱۳۸٦). ***آشنایی با تاریخ زبان‌های ایرانی***. تهران: پژواک کیوان.
- غلامی، محبوبه (۱۳۸۹). «نشان‌داری رده‌شناختی در زبان فارسی». ***دستور***. ش ٦. صص ۲۰۸-۲۳٦.
- کلباسی، ایران (۱۳۷٦). ***گویش کلاردشت (رودبارک)***. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلفام، ارسلان (۱۳۷۹). «شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌ها و رده‌شناسی». ***مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی***. دانشگاه تهران. د ۱۵۵. صص ۱۷۱-۱۹۰.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸٤). ***دستور زبان فارسی معاصر***. ترجمهٔ مهستی بحرینی. تهران: هرمس. صص ۲۱۷-۲۱۸.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). ***دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی***. ترجمهٔ مهدی سمائی. تهران: نشر مرکز. صص ۱۳٦-۱٤۰.
- مزینانی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۵). «واژه‌بست‌های مفعولی و آرایش بنیادین واژگان در زبان فارسی». ***جستارهای زبانی***. د ۷. ش ۵. صص ٤۹-۷۲.
- مشکو ة الدینی، مهدی (۱۳۷٦). ***سیر زبان‌شناسی***. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- میردهقان، مهین‌ناز و شیرین مهمانچیان ساروی (۱۳۹۰). «آرایش واژگانی در جملات خبری گویش آتنی (ساروی) در چارچوب نظریهٔ بهینگی». ***پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی***. د ۲. ش۳ (پیاپی۷) . صص ۵۳-۸۳.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸٦). ***دستورزبان فارسی(۱)***. چ ۹. تهران: سمت. صص ۱۱-۱۳.
- هیئت، جواد (۱۳۸۰). ***سیری در تاریخ و لهجه‌های ترکی***. تهران: نشر پیکان.

References:

- Ahmadipour, T.(2012), "Typological study of constituents". *Journal of ROSHD in Persian Language Teaching*, No.4, Pp 61-63 [In Persian].
- Chehregani Montazer, M.A.(1993). *Turkish Loan words in Persian Language*, M.A. thesis, Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology*. second edition. Basil Blackwell. Pp.132-135.
- Dabir-moghaddam, M. (1997), "Descriptive and Theoretical Aspects of Word Order Status in Persian and Selected Iranian Languages". *Proceeding Of The 16th International Congress of Linguistics*: Pergamon: Oxford, No. 0215.
- Dabirmoghaddam, M. (2011). "Introduction and review to the book study on the form of Discourse in Persian Language". *Special Edition of the Persian Language Academy*, No.7, Pp 223-293.
- Dabirmoghaddam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages*. Vol. 1, Tehran: SAMT [In Persian].
- Dryer, M. S. (2001). "Mon-Khmer Word Order from a Crosslinguistic Perspective". In K.L. Adams and T.J.Hudak (eds.). *Papers from the Sixth Annual Meeting of the Southeast Asian Linguistics Society*. Arizona State: Tempe.Pp 83-99.
- Gholami, M. (2010). "Typological markedness in Persian language". *Journal of Grammar*. No. 6, Pp 208-236.
- Givon, T. (2001). *Syntax*. Amesterdam and Philadelphia.2Vols.: John Benjamins.
- Golfam, A. (2000). "Language similarities and differences: universals and typology". *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*. Tehran University, Period 155, Pp. 171-190.
- Greenberg, Josef, H. (1963). "The Languages of Africa". *International Journal of American Linguistics*. Vol.29. No.1. Bloomington: Indiana University and the Hague: Mouton.
- Hawkins, J.A. (1983). *Word Order Universals, Quantitative Analysis of Linguistic Structure Series*. New York: Academic Press.
- Hawkins, J.A. (1998). *Some issues in a performance theory of word order*. In: A Siewierska (ed.). Constituent Order in the Language of Europe. Proceedings of

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

the ESF programme in Language Typology. Berlin: Mouton de Gruyter. Pp 729-781.

- Hey'at, J. (2001). *An Excursion in Turkish History and Dialects*. Tehran: PEYKAN [In Persian].
- Kalbasi, I. (1997). *Kelardasht Dialect (Rudbarak)*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Khoshbaten, H. (2006). *Study of the Syntactic Structure of Turkish Language based on Typology Approach*. Tabriz: NASHER MO'ALLEF [In Persian].
- Lazar, G. (2005). *Contemporary Persian Grammar*. Translated by: Bahraini Mahasti, Tehran: Hermes [In Persian].
- Mahoutian, Sh. (1999). *Persian Grammar from Typology Perspective*, translation by Mahdi Samaee, Tehran: MARKAZ [In Persian].
- Mar'ashi, M. (1970). *The Persian Verb*: A Partial description for pedagogical purposes. Ph.D. Dissertation. University of Texas.
- Mazinani, A.; A. Alizadeh & Sh. Sharifi (2015). "Objective clitics and basic word order in Persian language". *Language Related Research*. Online Publishing from August 19, 2013, available at the journal website to the address *.http://lrr.modares.ac.ir/article_13160_0.html*
- Meshkatoddini, M. (1997). *Linguistics Excursion*. Mashhad: Ferdowsi University.
- Mirdehghhan, M. & Sh. Mehmanchian Saravi (2011). "Word Arrangement in declarative sentences of Athenian dialect (Saravi) based on optimality theory," *Quarterly Journal of Comparative Literature and Language Studies*, Vol. 2, No. 3 (7th series), Pp 53-83.
- Radford, A. (1997). *Syntax: A Minimalist Program*. Cambridge: Cambridge University Press. P.16.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]

- Rezaei, H. (2011). "Head Position in Persian Language: The hesitation from diachronic typology Perspective". *Journal of Linguistics Research.* Vol. 3, No. 2, Pp. 35-46.
- Rezapour, E.(2014). "Word Order in Semnani Language based on Typology". *Journal of JOSTARHAYE ZABANI*, Online publication on the 9th of September 2014, Available on the magazine site to the address: *http://lrr.modares.ac.ir/article_11278_0.html.*
- Sharifi, Sh. (2008). "Hawkins' view in the Typology Field of word order and examination of the conformity or non-conformity of his view to the Arrangement of Words in Persian Language". *Journal of Language and Linguistics*, Vol. 4, No. 1, Pp .77-92.
- ---------- (2009), "Investigation of Possessive Construction in today's Persian Language from typological perspective". *Journal of Linguistics Research*, Vol. 1, No. 1, Pp. 47-62.
- Shirzad, S. (2009). *Morphological Study of Azeri Turkish based on typology*, M.A. thesis, Tehran: Payame Nour University.
- Vahidian Kamyar, T. & Gh.R. Omrani (2007). *Persian Grammar(1)*. 9th Edition, Tehran:SAMT [In Persian].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.11.7]